

حضرت آیت‌الله جنّتی «دام عزّه»

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام‌علیکم؛

نتایج بررسی‌ها ذیلاً جهت استحضار، تحریر می‌یابد:

موضوع اول: «لایحه نحوه واگذاری مالکیت و اداره امور شرکت‌های صنعتی»

۱- مواد (۲)، (۳) و (۴) لایحه، از حیث تعریف، برگرفته و منطبق با تعاریف مندرج در مواد (۱)، (۲) و (۳) قانون تملک آپارتمان‌ها، مصوب ۱۳۴۳/۱۲/۱۶ می‌باشد.

۲- ماده (۵) لایحه

- عبارت «... با رعایت مفاد قانون تجارت...» از حیث اطلاق و عدم تعیین مواد مشخص از قانون مزبور، با عنایت به اینکه بخش‌هایی از قانون مزبور، کراً مورد ایراد شرعی شورای محترم نگهبان قرار گرفته، مواجه با ابهام است.

- عبارت «... مطابق اساسنامه نمونه تهیه شده توسط سازمان صنایع کوچک و...» از این حیث که مقام تصویب‌کننده اساسنامه مشخص نمی‌باشد، مواجه با ابهام است.

- «شرکت خدماتی شهرک صنعتی» در شرف تشکیل مشخصاً معلوم نیست آیا دولتی است؟ خصوصی است یا تعاونی؟ از حیث هویت سازمانی مواجه با ابهام است.

- چنانچه شرکت مزبور دارای هویت تعاونی باشد، پیش‌بینی این امر که: «ریاست مجمع عمومی شرکت مزبور - با مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره شرکت شرکت‌های صنعتی استان است» به نظر مغایر با جزء (۷) بند (ب) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ابلاغی مقام معظم رهبری است که بر: «پرهیز از مداخله در امور اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها» تأکید دارد.

۳- ماده (۶) لایحه

- در اینکه آیا اختیار عزل و نصب‌های پیش‌بینی شده برای شرکت‌های صنعتی استان دائمی است؟ یا طبق تبصره (۲) ماده (۵) لایحه، اختیارات اعطائی مقید به «تا زمان تشکیل...» می‌باشد؟ به نظر اعمال اختیارات از حیث دائمی یا موقت بودن مواجه با ابهام است.

- با فرض تعاونی بودن هویت سازمان شرکت خدماتی شهرک صنعتی، هرگونه مداخله دولت در شرکت مزبور، مواجه با منع مندرج در سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری می‌باشد.

۴- ماده (۷) لایحه، برگرفته از ماده (۴) قانون تملک آپارتمان‌ها مصوب ۱۳۴۳ و اصلاحات به عمل آمده در ماده مزبور، مصوبه ۱۳۷۶/۳/۱۱ مجلس شورای اسلامی است.

۵- ماده (۸) لایحه، برگرفته از ماده (۹) قانون تملک آپارتمان‌ها است.

۶- ماده (۹) لایحه و تبصره‌های آن

تماماً برگرفته از:

الف - ماده (۱۰) مکرر الحاقی به قانون تملک آپارتمان‌ها و تبصره‌های آن است که در سال ۱۳۵۱ به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا رسیده است.

ب - تبصره (۱) الحاقی به ماده (۱۰) مکرر که در مورخه ۱۳۷۶/۳/۱۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

۷- ماده (۱۱) لایحه، برگرفته از ماده (۱۳) الحاقی به قانون تملک آپارتمان‌ها است که در مورخه ۱۳۷۶/۲/۱۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

- از این حیث که نظر سه نفر از کارشناسان رسمی دادگستری بدون نیاز به حکم مراجع قضائی آیا می‌تواند منشأ حق و تکلیف گردد؟ به نظر مواجه با ابهام و از حیث شرعی، نیازمند بررسی فقهاء محترم عضو شورا می‌باشد.

- سطر چهارم ماده (۱۱)، حرف یا اشتباهاً به جای حرف با درج گردیده است.

موضوع دوم: «لایحه موافقتنامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین دولت جمهوری

اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان»

۱- توجهاً به بند (۱) ماده (۱۵) لایحه که قبلاً مورد ابهام شورای محترم نگهبان در نامه شماره

۸۶/۳۰/۲۲۵۷۱ مورخ ۱۳۸۶/۶/۲۲ قرار گرفته بود، اقدام مجلس به الحاق یک تبصره به ذیل ماده واحده،

به عبارت: «تبصره - قوانین مربوط به اهلیت طرف مقابل مندرج در بند (۱) ماده (۱۵) در جمهوری اسلامی

ایران جاری می‌باشد.» علاوه بر اینکه رافع ابهام مورد نظر شورای محترم نگهبان می‌باشد، همچنین، با قطع نظر از جهات شرعی<sup>۱</sup> که اظهار نظر به آن در صلاحیت فقهاء عظام عضو شورا است، اصلاح به عمل آمده توسط مجلس، مطابق با مواد (۶)، (۷)، (۲۱۰)، (۲۱۱) و (۹۶۲) قانون مدنی است که با استناد به ماده (۵) همین قانون، استثناء اتباع بیگانه، از شمول برخی از قوانین داخلی، مورد پذیرش قانونگذار مدنی قرار گرفته است.

۲- راجع به سایر ایرادات قبلی شورای محترم نگهبان، با عنایت به اصرار مجلس بر نظرات سابق، بدیهی است که اقدام مزبور، رافع ایرادات نمی‌باشد.

موضوع سوم: «لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجراء ماده (۵۶) قانون جنگل‌ها و مراتع»

#### ۱- ایراد شکلی:

به موجب بند (۲) ماده (۱۳) قانون دیوان عدالت اداری،<sup>۲</sup> مصوب مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء کمیسیون ماده (۵۶) از جمله اختیارات و صلاحیت‌های دیوان عدالت محسوب گردید، مضافاً اینکه به موجب ماده (۴۹) قانون دیوان عدالت اداری،<sup>۳</sup> «کلیه قوانین مغایر...» از جمله قانون تعیین تکلیف اراضی... موضوع ماده (۵۶)، ملغی‌الاثرب می‌باشد. علیهذا اصلاح مجدد قانون لغو شده، به نظر مغایر با اصول و ضوابط حاکم بر قانونگذاری است.

<sup>۱</sup> در خصوص امکان بروز تعارض قوانین خارجی با قوانین داخلی، علاوه بر ماده (۹۷۴)، ماده (۹۷۵) قانون مدنی مقرر می‌دارد: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر، مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجراء گذارد، اگر چه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.»

<sup>۲</sup> ماده (۱۳) قانون دیوان عدالت اداری: «صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است: ۱- الف - ب - ... ۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی دادگاه‌های اداری، ...، کمیسیون موضوع ماده (۵۶) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و منابع طبیعی و اصلاحات بعدی آن منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها. ۳- ...»

<sup>۳</sup> ماده (۴۹) قانون دیوان عدالت اداری: «از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۶۰ و اصلاحات

شماره: ۳۶۵۹

تاریخ: ۱۳۸۷/۰۳/۲۱

پیوست: ندارد

## ۲- ایراد ماهوی:

- از این حیث که مشخص نگردیده مقصود از «شعب دادگاه بدوی و تجدیدنظر» شعب دادگاه بدوی و تجدیدنظر محاکم عمومی می‌باشد یا دیوان عدالت اداری؟، مواجهه با ابهام است.
- محل استقرار شعب بر فرض آنکه مقصود محاکم عمومی دادگستری باشد، از حیث شهرستان، استان و یا تهران مشخص نگردیده است. لذا مواجهه با ابهام است.
- حذف و جایگزینی عبارت در مصوبه اخیر مجلس، چنانچه نافی اختیارات مصرح در مواد (۱۶) و (۱۸) قانون دیوان عدالت اداری، مصوب مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام یا اختیارات موضوع مواد (۲۸۴) و (۲۸۴ مکرر) قانون آیین دادرسی کیفری باشد، از حیث تغایر مصوبه با موازین شرع، نیازمند بررسی فقهاء عظام عضو شورا می‌باشد.
- توضیحاً اینکه، عدم حذف عبارت «رأی قاضی» از مصوبه قبلی، با توجه به درج مجدد عبارت «رأی قاضی هیأت» در مصوبه اخیر، از حیث تکرار، زاید خواهد بود.
- عبارت «هیأت می‌تواند از خبرگان محلی و غیررسمی به عنوان کارشناس استفاده نماید.» چنانچه لایحه دولت متضمن آن نبوده باشد، از حیث بار مالی، مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی خواهد

بود. / ۸۰۴۵

قربانعلی مهری  
قائم مقام مرکز تحقیقات

بعدی آن و کلیه قوانین مغایر با رعایت مواد (۴۷) و (۴۸) لغو می‌شوند.»

شماره: ۳۶۵۹

تاریخ: ۱۳۸۷/۰۳/۲۱

پیوست: ندارد

رونوشت:

- اعضاء معزز فقهاء و حقوقدانان شورای محترم نگهبان، جهت استحضار
- جناب آقای دکتر کدخدایی، معاون محترم اجرایی و امور انتخابات، جهت استحضار